زندان اصفهان

«مجازاتهای زندان باید بطریقی اجرا شوند که روی‏ زندانی و محکوم اثر تربیتی داشته و زندانیان را برای زندگی آزاد آماده کنند»

ماده 37 قانون جزای سویس

بدورانی که در دانشگاه تهران درس علوم زندانها را میخواندم فکر میکردم زندان در گوشه و کنار جهان باید همانطور که من در کتابهای درسی خوانده‏ام‏ مطالعه،ورزش،کارهای دستی،بررسی و تحقیق،زراعت و اکر فراهم گردد.بنظرم‏ میرسید همچنانکه در کشورهای متمدن زندان یک کلاس و یک مکتب تربیتی و تعلیماتی است و مثلا همانطور که در زندان کازابلانکا زندانیان 1840 هکتار زمین زیر کشت‏ دارند یا در فرانسه هر زندانی روزانه 1600 گرم سبزیجات و سیب زمینی 500 گرم‏ نان 10 گرم مواد چربی و مقداری گوشت و قند و شکر جیره دارد.در ایران هم تا حدی این وسایل برای زندانیان فراهم است و زندانی هم از مزایای زندگی یک‏ یک انسان ساده برخوردار میشود.ولی با مشاهدهء زندان اصفهان دانستم که سخت‏ در اشتباه بوده‏ام و زندانی در این مملکت در شمار افراد محکوم و مطرود اجتماع‏ قلمداد میشود و زندگی او مورد توجه نیست.

من هربار که یک مهمان غیر اصفهانی خودم را بدیدن بنای تاریخی‏ عالی قاپو در اصفهان میبردم چشمم بزندانی شهربانی اصفهان میافتاد و از طبقه سوم یا چهارم عمارت چهلستون جمعی را میدیدم که در فضائی تنگ و فشرده میخزند و میدانستم که اینها زندانیان زندان اصفهانند و بقول اصفهانیها ظریف«زیر گنبد شیر گویا زندگی میکنند»لیکن تاکنون توفیق دست نداده بود که این ساختمان‏ تاریخی یا عمارت و باغ توحید خانه صفوی را که اکنون بصورت زندان مظلومین‏ و محرومین و شاید جانیان درآمده است بچشم ببینم تا اینکه در مسافرت اخیر فرصتی پیدا شد و توانستم که داخل ساختمان را هم به ببینم و زندان و زندانیان را از نزدیک تماشا کنم.

این زندان همانطور که گفته شد درجوار بنای تاریخی عالی قاپو قرار گرفته‏ و منظره زننده و ناراحتی را از نظر خارچیانی که بدیدن عالی قاپو میروند میگذارند.

در محیط کوچک زندان در حدود پانصد نفر زندانی که اغلب هم وضعی بلاتکلیف‏ دارند زندگی میکنند شاید هم بمرگ تدریجی روزگار میگذرانند.در اطاقهای‏ 3-4 زندان 22 نفر زندانی مرد سکونت دارند و بطور قطع در یک چنین فضائی‏ نمی‏توانند حتی پاهای خود را دراز کنند تا چه رسد که بتوانند استراحت و بیتوته نمایند.

حمام این پانصد نفر انسان عبارت از یک محیط 3-4 و سه عدد دوش است و کلاس درس آنها در راهروی وی آشپزخانه و کارگاه آنها در اطاقی تنگ و تاریک که شاید نور آفتاب را تاکنون ندیده باشد مستقر گردیده است.غذای آنروز این زندانیان‏ 100 گرم ماست و سه عدد پیازچه و یکعدد نان بود و با اعتباری که اداره زندان داشت‏ جای شکرش باقیست که میتواند نان و ماست هم بآنان بدهد چون اعتبار هر زندانی‏ 17 ریال بود و با این مبلغ باید همه هزینه‏های زندان و حتی بهداشت دارو و درمان‏ آنها تأمین شود و با دقت و مراقبتی که مسئولین شهربانی اصفهان دارند باز با این مبلغ و رقم هیچ کاری نمیتوان انجام داد.در این زندان با همین اعتبار کم‏ کتابخانه هم تهیه دیده بودند،بهداری هم داشتند و طبیب شهربانی زندانیان را ویزیت‏ میکرد لیکن واقعا وضع رقت‏باری داشتند من بدینوسیله مسئولین امر را بوضع‏ نامطلوب این زندان و زندانیان متوجه میسازم که راه چاره‏یی بیندیشند و مکتب نارضایتی،فساد اخلاق و ناراحت‏کننده را ببندند و در محیطی مناسب زندانی‏ درست کنند و این بنای تاریخی و زندانیان مفلوک و بدبخت آنرا از وضع موجود رهائی بخشند.خوشبختانه بعدا اطلاع پیدا کردم که اداره شهربانی اصفهان‏ قطعه زمین وسیعی از بنگاله خالصه گرفته و دور آنرا نیز محصور نموده است و بطور قطع جناب آقای منصور اعتباری جهت ساختن زندان شهربانی اصفهان تخصیص‏ داده بنای تاریخی عهد صفوی و زندانیان آنرا از وضع نامناسب فعلی نجات خواهند بخشید.